

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم کم کردن قسمتی از دین/قرض در برابر تعجیل حصول آن

(ترجمه)

سوال:

شیخ بزرگوار ما، الله سبحانه و تعالی در عمر شما برکت نهاده و شما را در حفظ خود داشته باشد! نردم سوالی ایجاد شده و آن سوال این است که من در یک موسسه کار می‌کنم که یک مقداری از معاشاتم را کسر می‌کند تا در آینده همین کسر معاشم پرداخت گردد؛ ولی من می‌خواهم که بخشی از آن مبلغ را بگیرم؛ اما موسسه با پرداخت این پول به شرطی موافقه می‌نماید که فیصدی مشخصی را از آن مبلغی که حق من است برایم ندهد. سوالم این است که آیا برایم جائز است که فیصدی مشخصی برای موسسه در برابر تعجیل حصول این معاشم کم کنم؟ خالد ابو ولید

الله سبحانه و تعالی به شما برکت داده و عمر شما را طولانی گرداند!

جواب:

وعلیکم السلام و رحمت الله و برکاته!

از سوال تان طوری دانسته می‌شود که شما می‌خواهید بخشی از معاشات تقاعدی خود را که در عقد قرارداد تعیین شده، قبل از فرارسیدن میعاد آن بگیرید.

فکر می‌کنم این موضوع را قبلاً در مسأله‌ای تعجیل پرداخت دین/قرض بیان کرده بودم؛ یعنی وقتی یک شخص، از شخص دیگری دین می‌خواهد و قرار است که دین را در میعاد مشخصی پرداخت کند؛ مثلاً: بعد از دو سال، فرق نمی‌کند که این پرداخت به صورت اقساط باشد و یا بدون اقساط؛ در چنین مسأله‌ای دائن/قرض‌دهنده به مدیون/قرض‌دار پیش‌نهاد کند که تو دین خود را همین اکنون عجلتاً پرداخت کن و من مقداری از دین را برایت کم می‌کنم، این مسأله شباهت کاملی به سوال شما دارد. شما هم مبلغی در نزد موسسه دارید و این مبلغ را زمانی برایت پرداخت می‌کند که تقاعد کنید؛ مثلاً: عمر شما به شصت سال برسد و این در حالی است که شما حالا چهل سال دارید و می‌خواهید که مقداری از همان پول بیست سال قبل از میعادش برایت داده شود.

موضوع تعجیل در پرداخت دین در مقابل کم کردن بخشی از دین؛ مثلاً: در عوض این که دائن بعداً ۱۰۰۰ دین خود را بگیرد، حالا به صورت تعجیل ۹۰۰ بگیرد، این مسأله یک مسأله‌ای اختلافی است و ما این مسأله را به تاریخ ۱۴ صفر ۱۴۳۴ هـ برابر به ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲ م پاسخ داده بودیم که بعضی از قسمت‌های آن پاسخ را که به این موضوع ارتباط مستقیم دارد بیان می‌کنیم:

(سوال شما طوری که در بیان مسأله‌ای تحت عنوان (کم کن و پرداخت کن) بیان نمودم؛ یعنی قسمتی از دین را که میعاد آن به تأخیر است کم کن! در مقابل این که دین ات حالا به صورت تعجیل پرداخت می‌گردد و این موضوع یک موضوع اختلافی است:

بعضی از علماء این عمل را جائز ندانسته و به دلائل ذیل استناد می‌کنند:

۱- روایتی که بیهقی در سنن کبری خود از مقداد ابن اسود روایت کرده که گفته است:

«أَسْلَفْتُ رَجُلًا مِائَةَ دِينَارٍ، ثُمَّ خَرَجَ سَهْمِي فِي بَعْثِ بَعْتِهِ رَسُولُ اللَّهِ، فَقُلْتُ لَهُ: عَجَّلْ لِي تِسْعِينَ دِينَارًا وَأَحْطُ عَشْرَةَ دَنَانِيرٍ، فَقَالَ: نَعَمْ، فَذَكَرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ: «أَكَلْتَ رِبًا يَا مِقْدَادُ، وَأَطَعَمْتَهُ»

ترجمه: برای یک شخص صد دینار به قرض دادم؛ سپس نوبتم رسیده و با یک لشکری که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرستاد نصیبم شد؛ بناءً برای آن مرد گفتم برابرم نود دینار از همان صد دیناری که از تو طلب می‌باشم حالا پرداخت کن و در برابر آن تعجیل پرداخت ده دینار را برایت کم می‌کنم، مرد قبول کرد و این مسأله را به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفت، اما رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «آیا سود می‌خوری ای مقداد؟» ولی امام ابن قیم در کتاب اغاثة اللفهان گفت است در سند حدیث بیهقی ضعف وجود دارد.

۲- هم‌چنان این طبقه از علماء گفتند: سود جاهلیت طوری بود که قرض در طی میعاد داده می‌شد به شرط زیادت و همان زیادت در بدل زیادت وقت بود و الله سبحانه و تعالی آن را حرام قرار داد و فرمود:

«وَإِنْ تَبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ»

ترجمه: اگر واقعاً شما توبه کردید، تنها سرمایه شما برای شما است.

و این علماء گفتند که کنار رفتن از یک بخش دین در عوض تعجیل حصول آن حرام است؛ زیرا کم کردن بخشی از دین در عوض همین کمی و زیادت وقت قرار می‌گیرد.

و جمهور فقهاء اعم از حنفی، مالکی، شافعی و حنابله گفتند: چنین چیزی حرام است؛ ولی زید بن ثابت، ابن عمر و تعدادی از تابعین این موضوع را مکروه پنداشتند.

و بعضی از علماء این مسأله را جائز دانسته و به دلائل ذیل استناد می‌نمایند:

از ابن عباس رضی الله عنهما رایت شده است که وقتی خواستند بنی نضیر را اخراج کنند، گفتند: ای رسول الله! تو ما را به بیرون شدن امر کردید؛ درحالی که ما از مردم طلب‌گار هستیم که تا اکنون قرض ما را پرداخت نکردند، رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود:

«ضَعُوا وَتَعَجَّلُوا»

ترجمه: یعنی کم کنید و به صورت تعجیل دیون خود را از مردم بگیرید.

این حدیث را در مستدرک خود روایت نموده و گفته است این حدیث، حدیث صحیح الاسناد است که صحیحین آن را تخریج ننموده است.

هم‌چنان باید دانست که ذهبی در تلخیص‌اش گفته است: «زنجی ضعیف است و عبدالعزیز ثقه نیست.» و ابن قیم در احکام اهل ذمه گفته است: «اسناد این حدیث حسن است در روایت این حدیث مسلم ابن زنجی است و حدیث این شخص کم‌تر از حسن نیست.»

این فرموده عبدالله بن عباس رضی الله عنهما است که گفته است:

«إِنَّمَا الرَّبَا أَخْرُ لِي وَأَنَا أَزِيدُكَ وَلَيْسَ "عَجَلٌ لِي وَأَنَا أضعُ عَنْكَ»

یعنی گفته ابن عباس این است که زمانی سود گفته می‌شود که شخص بگوید برایم مهلت بده و من برایت اضافه می‌پردازم؛ نه این که بگوید در پرداخت دین تعجیل کن! من برایت کم می‌کنم.

هم‌چنان جواز این مسأله از ابن عباس، نخعی، حسن و ابن سیرین روایت شده و این روایتی است که از امام احمد روایت شده است؛ اما این روایت در نزد علماء شافعی توجیه گردیده و جواز این مسأله چیزی است که شیخ الاسلام ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم اختیار نموده است؛ هم‌چنان ابن عابدین از فقهاء حنفی این مسأله را در حاشیه درالمختار نیز جائز دانسته است.

اما ما نمی‌خواهیم که این مسأله را به عنوان یک نظر تبنی کنیم، هرکسی که می‌خواهد به نظر هر یک از فقهاء که آن را قناعت می‌دهد، عمل کند.

طوری که شما دانستید ما نمی‌خواهیم که در این مسأله تبنی داشته باشیم؛ بناءً شما می‌توانید نظر هر مجتهدی که به حق نزدیک‌تر است پیروی کنید و هر دو نظری که در فوق تذکر داده شد واضح است. نظر اول به این دیدگاه است که گرفتن حق‌تان با کم کردن قسمتی از آن در عوض تعجیل وقت جائز نبوده، سود است؛ ولی دیدگاه دوم می‌گوید گرفتن حق به صورت تعجیل در برابر کم کردن قسمتی از حق جائز است و طوری که بیان کردیم ما نمی‌خواهیم در این مسأله کدام نظری را تبنی کنیم.

در اخير از الله سبحانه و تعالى مى خواهيم كه سينهات را به خير و اصابت به حق باز كند.

برادرتان عطاء ابن خليل ابورشته

۸ ذوالقعدة ۱۴۴۰ هـ.ق

۱۱ جولای ۲۰۱۹ م

مترجم: مصطفى اسلام